

بررسی تاریخی ائتلاف روحانیون و روشنفکران در جنبش مشروطه

پیمان محمودی*

چکیده

جنبش مشروطه از جمله دستاوردهای رویارویی ما با اندیشه‌های مدرن بوده است. این جنبش حاصل ائتلاف نیروهای اجتماعی بسیاری از جمله روحانیون و روشنفکران بود. این دو نیروی اجتماعی دارای تأثیر بسیاری در تاریخ کشور هستند. تأثیر این دو نیروی اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی به قدری مهم و اثرگذار است که ائتلاف آنها در جنبش مشروطه سبب پیروزی نهضت و افتراق آنان منجر به جدایی و بازگشت به اقتدارگرایی شد. این پژوهش به بررسی تاریخی زمینه‌های ائتلاف روحانیون و روشنفکران در جنبش مشروطه می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زمینه‌ها و دلایل ائتلاف آنها می‌تواند به استبدادستیزی، منافع و حقوق اقتصادی، عدم آگاهی نسبت به مشروطه، حذف برخی رجال، قانون‌خواهی، تشکیل عدالت‌خانه و مجلس مشروطه، نفوذ بیگانگان، تغییر راهبردها و... نقش ایفا کند. البته عوامل یاد شده علل قطعی ائتلاف بین روشنفکران و روحانیون نمی‌باشند؛ بلکه می‌توان آنها را به‌عنوان شروطی در نظر گرفت که ائتلاف را تسهیل کرده‌اند.

واژگان کلیدی: روحانیون، روشنفکران، جنبش مشروطه، ائتلاف، استبداد، قانون.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

در هیچ جامعه‌ای نیروها و گروه‌های اجتماعی به صورت تصادفی پیدا نمی‌شوند؛ بلکه مبتنی بر علایق گوناگونی در درون ساخت جامعه هستند. چنین علایقی معمولاً در کنار شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. برخی از جامعه‌شناسان به جای شکاف از تعارض و تضاد اجتماعی سخن گفته‌اند. به نظر می‌رسد که تعارض‌ها و تضادهای اجتماعی مفهومی گسترده‌تر و انتزاعی‌تر از مفهوم شکاف‌های اجتماعی داشته باشند. شکاف اجتماعی در عمل موجب تقسیم و تجزیه جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌هایی می‌گردد و این گروه‌بندی‌ها ممکن است تشکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کنند. قاعده کلی جامعه‌شناسی سیاسی این است که زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد (بشیری، ۱۳۹۱، ص ۹۹). بر این اساس، با نگاه به تاریخ معاصر ایران دو عنصر و نیروی اجتماعی مهم در تحولات و جنبش‌های اجتماعی جامعه دیده می‌شود. این دو عبارتند از: روحانیون و روشنفکران که هر یک نقش بسزایی دارد. اگر بخواهیم یک طبقه‌بندی کلی ارائه دهیم باید روحانیون را به عنوان طبقه سنتی قلمداد و روشنفکران را به عنوان طبقه مدرن^۱ محسوب کرد؛ اما آنچه اهمیت دارد ائتلاف یا افتراق آنها است. آغاز و رویارویی سنت و مدرن در ایران به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد؛ این رویارویی خود به یک مسئله اجتماعی مبدل گشته تا جایی که بر بسیاری از مسائل اجتماعی ایران سایه افکننده است. یکی از این مسائل ائتلاف روحانیون و روشنفکران است. روحانیون در بیشتر تحولات ایران یا نقش اصلی را بر عهده داشته و یا حائز اهمیت اساسی بوده‌اند. برای نمونه در جنبش تنباکو روحانیون پیروز میدان بودند البته در این برهه روشنفکران نیز در یک همسویی با روحانیون قرار گرفته‌اند. از آنجا که برخی بر این اعتقادند که این دو جریان در جنبش مشروطه با توجه به تضاد فکری و ماهوی که دارند نمی‌توانستند با یکدیگر ائتلاف داشته باشند؛ اما این پژوهش درصدد است تا نشان دهد ائتلاف این دو جریان در پیروزی مشروطه نقش بسزایی داشته است. در نتیجه براساس ائتلاف آنها بود که این پیروزی به دست آمده است و صرفاً همسویی اندیشه‌ها سبب این اقدام نبوده است. "جنگ ایران و روس در دوره قاجار زمینه‌های اجتماعی تازه‌ای برای افزایش قدرت روحانیون در کنترل حکومت‌ها فراهم آورد" (آجودانی، ۱۳۸۷، ص ۹۷). نیکی کدی در این باره می‌نویسد: در جریان نهضت تنباکو افزون بر اینکه روحانیون و از جمله میرزای شیرازی رهبری نهضت را در دست داشت؛ اما روشنفکران نیز به واسطه روزنامه‌ها در بسیج توده‌ها در کنار روحانیت به ایفای نقش پرداخته‌اند

۱. لازم به ذکر است که برخی از مارکسیست‌ها و نوامارکسیست‌ها روشنفکران را به عنوان طبقه محسوب نمی‌کنند؛ لذا لفظ طبقه در اینجا به معنای مارکسیستی آن نیست.

(کدی، ۱۳۵۶، ص ۶۷). این جنبش در برگزیده نخستین اتحاد موفقیت‌آمیز میان اصلاح‌طلبان متجدد و جماعت ناراضی ایران، به خصوص تجار بود، اتحادی که می‌بایست از نو در اعتراض‌های بعدی ظاهر شود و در انقلاب مشروطه به ثمر رسد (کدی، ۱۳۵۶، ص ۶۷).

در جنبش مشروطه هرچند روحانیون نقش مهمی داشتند؛ اما فتح تهران و اعدام شیخ فضل‌الله و قتل بهبهانی پس از مشروطه نشان داد که پیروزی از آن روشنفکران بود. به نوعی می‌توان گفت از زمانی که نهضت تنباکو ایجاد شد روشنفکرانی همچون ملک‌خان همسو با روحانیون به این قرارداد اعتراض کردند. همچنین در آغاز نیز شاهد نامه‌نگاری‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی با میرزای شیرازی هستیم؛ در زمان مشروطه روشنفکران که نقش اصلی را در تفکر مشروطه‌خواهی بر عهده داشتند در کنار روحانیونی چون آخوند خراسانی و علامه نائینی قرار گرفتند. بر همین اساس، می‌توان گفت که همسویی روشنفکران و روحانیون و تشکیل ائتلاف آنها در طول تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر وجود است و این خود سبب پیروزی‌های بزرگی در صحنه تاریخ اجتماعی ایران معاصر بوده است. از سوی دیگر افتراق و جدایی همواره سبب بازتولید زنجیره هرج و مرج و بی‌ثباتی بوده و در نهایت منجر به ایجاد اقتدارگرایی شده است. بدین ترتیب این کش و قوس‌ها هنوز هم در جامعه ایران بین این دو گروه وجود دارد و البته روحانیت در اینجا به‌عنوان گروه حاکم تلقی می‌شود. بنابراین یکی از مسائل سیاسی اجتماعی ایران در تاریخ معاصر وجود این ائتلاف، که نیاز به واکاوی علل آن است.

بنابراین سؤال اساسی تحقیق این است که با وجود تفاوت‌هایی که در اندیشه روحانیون و روشنفکران وجود داشت چه چیزی سبب ائتلاف آنها در جنبش مشروطه شده است؟

چارچوب مفهومی و نظری

بنا به گفته چارلز تیلی،^۱ شکل‌گیری ائتلاف میان اعضای جامعه سیاسی و مدعیانی که ادعای تمام‌عیار بدیلی را درباره کنترل حکومت ارائه می‌دهند، در واقع یک خطی منحنی است؛ اگر چنین ائتلافی وجود داشته باشد، شانس برد ائتلاف که که انتقال قدرتی صورت گیرد را کاهش می‌دهد. وجود یک ائتلاف احتمال می‌زانی از انتقال قدرت را افزایش می‌دهد؛ اما اگر ائتلاف‌ها گسترده باشند، آرامش پس از انقلاب بیشتر به سمت حفظ وضع موجود پیشین گرایش می‌یابد. از طرفی انقلابی‌هوشمندی که آرزوی انتقال قدرت را در سر دارد، حداقل لازم ائتلاف را با اعضای جامعه سیاسی موجود برقرار می‌سازد و شرکای ائتلافی خود را مجبور می‌کند که پیوند خود را برای همیشه با دیگر اعضای جامعه سیاسی قطع کنند. ماهیت چنین ائتلافی این است که عضو جامعه سیاسی منابع خود را با چالش‌گر معامله می‌کند. برای نمونه مشاغل را واگذار می‌کند و در مقابل، حمایت انتخاباتی کسب می‌نماید.

1. Charles Tilly

چنین ائتلافی همیشه مخاطره‌آمیز است. چالش‌گر همیشه در لبهٔ باخت این داد و ستد قرار دارد، زیرا این منابع در داد و ستد میان اعضای جامعهٔ سیاسی ارزشمند است و وی تمایل دارد که این منابع وسیع، بسیج یافته را به جایی دیگر منتقل کند. با وجود این، هنگامی که به چالش‌گر اطمینان داده شود که از وی در مقابل بی‌ارزش شدن، دفاع می‌شود احتمال دارد که وی ائتلاف را بپذیرد. چنین عضوی نیز هنگامی به احتمال ائتلاف را خواهد پذیرفت که جامعهٔ سیاسی دچار انشقاق است، یا هیچ شریک ائتلافی در درون جامعهٔ سیاسی در دسترس نیست، یا هنگامی که عضویت وی در جامعهٔ سیاسی خطری برای منافع وی دربر داشته باشد (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۵-۳۰۶). بنابراین، به ظاهر گروه‌های کوچک روشنفکری تمایل زیادی به شکل دادن به ائتلاف‌هایی خارج از جامعهٔ سیاسی دارند. آنها به داد و ستد آثار ایدئولوژیک، تبلیغات مورد نیاز چالش‌گران، مهارت‌های رهبری و دسترسی به اشخاص رده بالا برای جلب انواع مختلف حمایت - نیرو برای تظاهرات، قدرت انتخاباتی، دفاع در مقابل تهدید دیگر چالش‌گران و مانند اینها - می‌پردازند.

تیلی در تحلیل نظریهٔ میل^۱ می‌نویسد: برخی از گروه‌ها برای کالای جمعی خاصی چندین ارزش بالا قائلند که حاضرند برای دستیابی به آن اهداف ارزشمند خود آن چیزی که دیگر گروه‌ها، ضرر خالص می‌دانند، متحمل شوند. آنها از دیدگاه متوسط گروه به موقعیتی زیر خط نه سود و نه زیان راضی هستند. می‌توانیم بین چهار راهبرد گروهی تمایز قائل شویم: پرغیرت‌ها^۲ که در مقایسه با دیگر گروه‌ها، ارزش بسیار بالایی برای برخی از کالاهای جمعی از حیث بهره‌مندی منابع مورد نیاز برای به دست آوردن آن کالا، قائلند و به‌عنوان نمونه حاضرند جان و اعضا بدن خود را در راه به دست آوردن حق حاکمیت از دست دهند (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲-۱۳۳).

با توجه به نظر تیلی در بسیاری از وضعیت‌ها، یک مدعی واحد به خودی خود از منابع کافی - مردمان متعهد، اسلحه، حقوقدانان با تجربه و پول کافی - برای نفوذ در حکومت برخوردار نیست. بنابراین ائتلاف با مدعی دیگری که دارای برنامه‌های همپوشان یا مکمل با حکومت است، می‌تواند قدرت مشترک مدعیان را برای اجرای آن طرح‌ها افزایش دهد (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵).

همچنین ائتلاف‌ها گاهی نیز بین اعضای جامعهٔ سیاسی یا «گروه‌های» غیرعضو در جامعهٔ سیاسی رخ می‌دهد. با وجود این، ائتلاف‌های میان اعضا و غیراعضا اغلب هنگامی تحقق می‌یابد که اعضا به دنبال اهدافی هستند که فاقد شرکای ائتلافی در درون جامعهٔ سیاسی است و منابع بسیج‌یافته توسط گروه‌های غیرعضو می‌تواند در این امر مفید واقع شود (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵). در راه این ائتلاف‌ها ساختن ایدئولوژی‌های جدید، کیش‌های جدید و نظریات جدید دربارهٔ

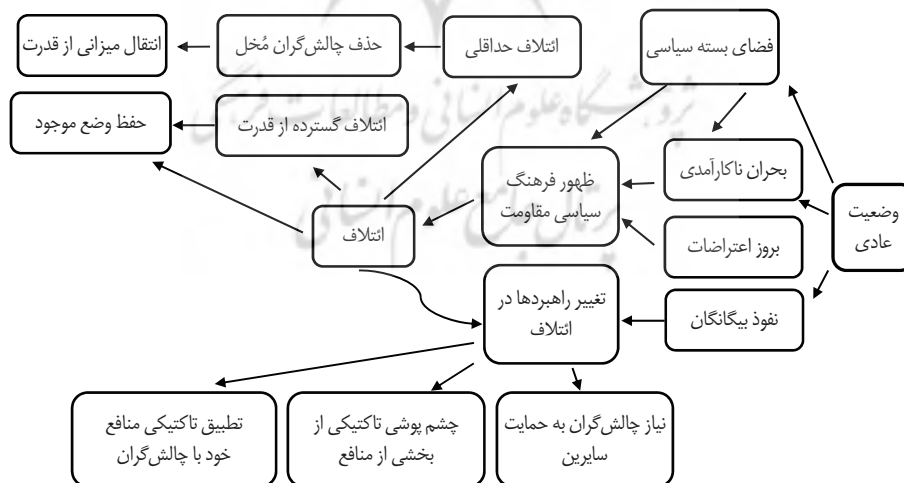
1. Mail

۲. افراد غیرتمند

چگونگی کار دنیا، بخشی از این دوراهی است که به سوی وضعیت انقلابی ختم می‌شود: ظهور چالش‌گرانی جدید [مانند ظهور روحانیت در نهضت تنباکو و میرزای شیرازی] و تحول یافتن مدعیان موجود. البته بیشترین احتمال این است که شکل‌گیری ایدئولوژی‌هایی که مشکلات چنین مدعیانی را دربر می‌گیرد و فرمول‌بندی می‌کند، بسیج آنها و تغییر جهت این بسیج را سرعت می‌بخشد؛ اینکه چه میزان ارزش مستقلی به نوآوری ایدئولوژیک داده شود، پازلی تکرارشونده در تحلیل انقلاب است. نیاز به ایجاد ایدئولوژی‌ها یکی از دلایل عمده اهمیت استثنایی روشنفکران در جنبش‌های انقلابی است (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲).

از سوی دیگر دو دسته از کنش‌های حکومت می‌توانند به میزان زیادی تعهد به ادعاهای انقلابی را گسترش بخشند. اولین نوع این کنش‌ها، ناکامی ناگهانی حکومت در انجام وظایف خاصی است که اعضای مردم آنها را برای رفاه خود ضروری و اساسی می‌داند (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۳). پناهی در این باره بیان می‌گوید: آنچه مدنظر من است، وظایف مربوط به ایجاد اشتغال، خدمات رفاهی، حمایت، دسترسی به عدالت و دیگر خدمات عمده حکومت است (پناهی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۳). بنابراین سازماندهی که بخواهد یک مدعی عادی بیچاره‌ای را در وضعیت بهتری قرار دهد، باید بکوشد تا سطح بسیج آن را افزایش دهد و با تاکتیک‌هایی مانند تشکیل ائتلاف بر قدرت آن بیفزاید (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵-۲۰۶).

در این پژوهش با استفاده از نظریه تیلی مدل مفهومی زیر استخراج شده است و همچنین سعی شده است تا به وسیله آن با جنبش مشروطه تطبیق داده شود.



مدل مفهومی پژوهش

یافته‌های تحقیق

با توجه به مدل مفهومی تحقیق که برآمده از مبانی نظری و مفهومی تحقیق است، نخست بسترهای شکل‌گیری ائتلاف یاد شده و سپس مفاهیم مندرج در مدل بالا در متون و اسناد تاریخی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

الف) بسترهای شکل‌گیری ائتلاف

شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف دارای مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی است. در واقع جمع‌بندی حاصل توافق و همسویی اکثریت احزاب و گروه‌های سیاسی و نخبگان عرصه سیاسی است. ولی ائتلاف نتیجه یک توافق و همسویی گروه یا تعدادی از احزاب، گروه‌های سیاسی و نخبگان و کنشگران عرصه سیاست بر سر موضوعی موردی و مقطعی است. بنابراین اجماع ماهیت راهبردی و ائتلاف ماهیت تاکتیکی دارد. از این‌رو، هر ائتلافی ذاتاً ناپایدار، غیراستراتژیک و کوتاه‌مدت است (حسین قزل‌ایاق، ۱۳۹۱، ص ۶۹). در ایران اولین ائتلاف نوین در دوره مشروطه رقم خورد.

از جمله زمینه‌های شکل‌گیری این ائتلاف می‌توان به حل نشدن مشکلات اساسی کشور به‌ویژه با ورود تخریبی سرمایه‌داری غرب، که سبب اعمال نفوذ قدرت‌های استعماری در شمال و جنوب کشور و وابستگی اقتصاد کشور به بازارهای بین‌المللی، فروپاشی جامعه سنتی، ورشکستگی و بحران اقتصادی و اجتماعی، سرانجام فقر و فلاکت و نارضایتی مردم، قشرهای مختلف جامعه از جمله دهقانان، تاجران، علما و روشنفکران اشاره کرد؛ بنابراین نیروهای اجتماعی و مردم کم‌کم از دولت فاصله گرفته و از موضعی مخالف با آن و در پیوند روزافزون با یکدیگر، خواهان اصلاحات اقتصادی-اجتماعی و سیاسی شدند (موتقی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۰).

بر این اساس، در دوران‌های بحران و یا تب داشتن و ملتهب بودن جامعه (در اینجا مدنظر جنبش مشروطه است) برای رسیدن به خواسته و اهداف و منافع مشترک یک ائتلاف شکل می‌گیرد. در جنبش مشروطه پس از فتح تهران و اعمال خشونت انقلابی، بین روحانیون و روشنفکران و بین خود روحانیون جناح‌گیری‌های^۱ متفاوتی انجام گرفت.

پس از به توپ بسته شدن مجلس و با فتح تهران این بار علما که خواستار عدالتخانه برای تثبیت تسلط خود بر امور قضایی بودند، فکر استقرار حکومت مشروطه از سوی روشنفکران را پذیرفتند ... روشنفکران هم خواهان ایجاد رژیم مشروطه طبق الگوی غربی بودند، ناگزیر شدند نظارت علما

۱. از جمله این جناح‌گیری‌ها و شکاف‌ها می‌توان به شکاف بین مشروطه‌خواهان و مشروعه‌خواهان از یک‌سو، که یک طرف آن روحانیون سنتی مانند شیخ فضل‌الله قرار داشتند و در سوی دیگر آن روشنفکران و روحانیون غربگرا حضور داشتند.

بر مجلس را بپذیرند (کمالی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۲). سرانجام این دو طیف با وجود تضادهایی که در مبانی فکری خود داشتند برای رسیدن به هدف مشترک و با ایجاد همانندی‌ها در خود به هم نزدیک شدند و تشکیل ائتلاف دادند.

ب) بحران در زمینه اقتصادی-سیاسی

معمولاً در نظریات انقلاب بحران‌های اقتصادی زمینه‌ساز یا شتاب‌دهنده به جنبش‌ها و ائتلاف‌ها هستند. از این رو، در دوره قاجار ناتوانی دولت تا حد زیادی ناشی از وضعیت بحران اقتصادی بود که تقریباً در تمام طول حکومت این سلسله ادامه یافت. بحران مالی خود تا حدی معلول ضعف قاجاریه و نظام جهانی بود که سرانجام راه را برای بحران مشروعیت در برابر جامعه مدنی هموار نمود (فوران،^۱ ۱۳۹۲، ص ۲۱۹).

به بیان دیگر در دوره ناصرالدین شاه نارضایتی فزاینده اقتصادی، دخالت رو به گسترش قدرت‌های خارجی و نارضایی رو به رشد سیاسی داخلی، با وظیفه ناخوشایند حفظ تمامیت ارضی کشور در چارچوب نظام قدیم روبه‌رو بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۷۱). بنابراین، در این دوره یکی از علل نارضایتی مردم افزایش شدید قیمت مواد غذایی بود که در نتیجه برداشت ناچیز محصول، شیوع وبا، جنگ روسیه و ژاپن و انقلاب پس از آن در روسیه به بار آورده بود و سبب شتاب بیشتری به جنبش مشروطه شد. از سوی دیگر در این دوره شکست‌های نظامی به امتیازات دیپلماتیک منجر شد، امتیازات دیپلماتیک، امتیازات تجاری را به دنبال آورد، امتیازات تجاری راه‌های نفوذ اقتصادی را هموار ساخت و نفوذ اقتصادی نیز صنایع سنتی را تضعیف کرد و در نتیجه آشفتگی‌های اجتماعی شدیدی پدید آورد (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۶۷). همچنین شکست‌های نظامی به‌عنوان یک عامل سیاسی اثرگذار بر مسائل اقتصادی سبب تضعیف کشور در برابر بیگانگان شده بود و در نتیجه استقرار خارجی، واگذاری امتیازاتی به بیگانگان، کاهش دادن ارزش پول و سوءاستفاده و فساد ناشی از فروش و حراج مناصب دولتی-بر آتش نارضایتی، نفرت پاشید و دولت قاجار را با بحران فزاینده مشروعیت روبه‌رو ساخت (فوران، ۱۳۹۲، ص ۲۲۱). چراکه با ورود سرمایه‌گذاران خارجی و واگذاری امتیازات از سوی دولت، بورژوازی کمپرادوری در بازارهای شهری به وجود آمد که زمینه تضعیف تاجران و پیشه‌وران خرده‌پای شهری ایران می‌شد (هلیدی،^۲ ۱۳۵۸، ص ۲۰۹). و این خود یکی از نشانه‌های تسلط دولت‌های امپریالیستی بر اقتصاد ایران به شمار می‌آمد. از سوی دیگر اصلاحاتی که در دوره قاجار با اقدامات امیرکبیر به‌ویژه با تأسیس دارالفنون و مدارس جدید

1. Furan

2. Hallidy

آغاز شده بود، در عمل روحانیون را از آموزش بخشی از جامعه کنار می‌زد؛ چراکه روحانیت که همواره یکی از وظایف اصلی آن آموزش افراد براساس تعالیم دینی بوده است؛ اکنون می‌بایست بخشی از جامعه را افرادی تعلیم می‌دادند که تحصیلات حوزوی نداشتند و در کشورهای بیگانه درس خوانده بودند. بنابراین، تعلیم و تربیت و قضاوت نیز که هر دو به‌طور سنتی در اختیار علما قرار داشت، موضوع اختلاف بود.

در طول دوران معاصر بازار همواره با روحانیون دارای ارتباط تنگاتنگی بوده است و پس از اینکه حقوق و مستمری‌های روحانیون^۱ در دوره قاجار قطع یا به تعویق افتاده بود بازاریان از روحانیون حمایت می‌کردند. همچنین ضعف دولت قاجار در برابر نیروهای خارجی و واگذاری امتیازهای فراوان به آنها که سبب ضعف بازار داخلی و به تناسب آن ضعف جامعه اسلامی می‌شد؛ بنابراین، بیضه اسلام در خطر تسلط بیگانگان بر جامعه اسلامی قرار می‌گرفت. همچنین دولت نسب به بازاریان داخلی اجحاف می‌کرد و با به چوب بستن دو تن از بازاریان معتمد توسط علاءالدوله خشم ملت را برانگیخت. این امر سبب افزودن بر نارضایتی‌ها و به تناسب آن شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی مخالف و مقاوم شد؛ که سبب آگاهی ملت و نیروهای اجتماعی نسبت به بحران ایدئولوژیکی دولت شده بود. بنابراین نیروهای اجتماعی نسبت به عجز و ناتوانی دولت قاجار از حفظ بیضه اسلام و منافع ملی و دینی آگاهی یافتند و به مقابله با اقدامات دولت پرداختند.

در نتیجه اعتراض‌ها و بحران ایجاد شده زمانی که ناصرالدین‌شاه در اردیبهشت ۱۲۷۵ ش ۱۳۱۳ ق به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام) رفته بود توسط میرزا رضا کرمانی کشته شد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۱۹۰). نکته مهم این است که در طول تاریخ همواره شاه‌کشی یکی از ابزارهای تغییر حکومت بوده و با قتل ناصرالدین‌شاه آن هم توسط یک فرد نیمه روشنفکر برای عدالت و قانون گامی در جهت مشروطه برداشته شد و روشنفکران که تا قبل از این توان زیادی در امور نداشتند و حتی نتوانسته بودند در نهضت تنباکو حرکت مؤثری داشته باشند این بار گام بلندی برداشت و مستقیماً شاه را مورد حمله قرار دادند. این به معنای سرآغاز تاختن به نظام سنتی بود. میرزا رضا با این کار، خود را بدل به روشنفکری عملگرا کرد که مستقیماً وارد کارزار شده بود.

۱. منظور از حقوق و مستمری‌های روحانیون، مواجبی بود که از خزانه دولتی به آنان تعلق می‌گرفت. این مواجب از دوره قاجار و با اقدامات امیرکبیر برای سر و سامان دادن به اوضاع اقتصادی، قطع شد.

ج) نفوذ دولت‌های اروپایی در کشور

وجود منابع عظیم معدنی و قرار گرفتن کشور در مسیر ارتباط غرب به شرق سبب توجه و حضور بیگانگان بر کشور ایران بود. در زمان ناصرالدین‌شاه و واگذاری امتیازات عمده به بیگانگان اولین شکاف‌های میان دولت و ملت را ایجاد کرد. از این‌رو، روابط میان دولت (درباریان) و روحانیون رو به سردی گرایید و بی‌شک گسترش روابط با غرب یکی از دلایل آن بود. در اواخر عصر قاجار در واکنش به نفوذ رو به گسترش تمدن مسیحی غرب و گرایش قاجاریه به نوسازی، نوعی واکنش شیعی-ایرانی برای پاسداری از سنت‌ها و فرهنگ و اقتصاد ملی در بین روحانیون شکل گرفت که بعدها به یکی از گرایش‌های اصلی ایدئولوژیک در کشور تبدیل شد. «روحانیون در چند مورد در مقابل حکومت قدرت‌نمایی کردند و توانایی خود در بسیج مردم را به پادشاهان نشان دادند. انگیزه‌های مشابهی موجب مداخله و شرکت علما و فقها در نهضت انقلاب مشروطه شد» (بشیریه، ۱۳۸۷، ص ۱۸). یکی از آنها این بود که روحانیان برای حمایت از انقلاب به‌ویژه در مراحل نخست آن، دلایل ایدئولوژیک داشتند (فوران، ۱۳۹۲، ص ۲۷۷). همچنین علما در دوره مشروطه از تنزل اعتبار اجتماعی خود ناراضی بودند. تسریع روند عرفی کردن دولت آنان را نگران می‌کرد و نفوذ فزاینده فرنگ مایهٔ بیم آنها بود (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۳). یکی دیگر از این انگیزه‌ها دادن امتیازات اقتصادی به بیگانگان بود، چراکه از یک‌سوی بازار داخلی را که پشتیبان روحانیون بودند تضعیف می‌کرد و از سوی دیگر سبب نفوذ بیگانگان در کشور و فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی آنان و به خطر افتادن اسلام می‌شد. به اعتقاد تقی‌زاده میدان دادن روزافزون و تسلط خارجی‌ها در ایران و امتیازاتی که از عهد میرزا حسین‌خان مشیرالدوله و سپهسالار و قرارداد با رویتر به این سو داده شد زمینه را برای مشروطه مهیا کرد (تقی‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۳۰۴-۳۰۵).

همچنین ضعف دولت در زمینهٔ قدرت نظامی و ارتش در برابر تجاوز بیگانگان نیز سبب می‌شد تا روحانیون در این دوره وارد عرصهٔ سیاسی شوند. به بیانی باید گفت ارتش در هر کشوری وظیفهٔ حراست از کیان آن ملت و ملک را دارا است؛ اما در دورهٔ قاجار، ارتش دارای ضعف اساسی است تا جایی که در چند جنگ که با کشور روسیه داشت با شکست مواجه شد و از سوی دیگر، پس از این شکست‌ها قدرت نظامی نمی‌تواند با حضور تهدیدآمیز کشورهای روسیه و بریتانیا که همواره بر سر بسیاری از موضوعات تمامیت ارضی کشور را مورد حمله قرار می‌دادند مقابله کند. همان‌گونه که هدف اصلی تجدد نخست در ایران به‌ویژه اقدام‌هایی که عباس میرزا انجام می‌داد به سبب ضعف نظامی بوده است؛ بنابراین، هدف تجدد نخست دفاع از سرحدات و کیان مملکت بوده است. برای همین هم روحانیون در آن دوره مخالفتی با این نوع تجدد نداشته است و چه بسا در راستای اهداف روحانیون بوده و روحانیون نیز با دادن فتوای جهاد نقش خود را در کنار این نوع از تجدد ایفا می‌نمودند.

روشنفکران نیز با امپریالیسم خارجی مخالف بودند. آنها «امپریالیسم خارجی را استعمارگر سیری ناپذیر کشورهای کوچکی مانند ایران می دانستند» (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

د) تغییر راهبردها

یکی از موارد مهم که در نظریه تیلی، زمینه ائتلاف را به وجود می آورد مربوط به تغییر راهبرد و شیوه عمل است و همان گونه که در بالا اشاره شد ائتلاف ها به طور معمول از حیث ماهیت صورتی تاکتیکی دارند و از این رو تغییر راهبردها در اینجا به ویژه از سوی روشنفکران ماهیتی تاکتیکی داشته است. البته این تغییر راهبرد قبل از مشروطه در اندیشه های روحانیون و روشنفکران دیده می شود. روحانیون^۱ که تا زمان قاجار حامیان نظام سلطنت بوده اند، با طرح دوباره اندیشه ولایت فقیه، در نظر حق حکومت را در زمان غیبت امام زمان علیه السلام از آن فقیه می دانستند (آجودانی، ۱۳۸۷، ص ۶۵). بنابراین تغییر راهبرد که از دوره فتحعلی شاه مطرح شده بود، در دوره های بعدی فاصله بین شاه و ملت زیاد شده و در نتیجه روحانیون اندک اندک از نظام شاهی فاصله گرفتند و این تغییر راهبرد خود سبب نزدیکی به ائتلاف برای استبدادستیزی شده بود. روشنفکران نیز در مقام نظر تغییر راهبرد داده بودند. نسل اول روشنفکران مانند ملکم خان که سکولاریسم و ناسیونالیسم را برای احیای یک جامعه توسعه یافته مهم می دانستند، این بار با تغییر راهبرد تاکتیکی، به تطبیق مبانی مشروطیت با شرع اسلام بوده است. برای نمونه ملکم خان در شماره سیزده روزنامه قانون این گونه آورده است: «بعثت جمیع انبیا از برای تعلیم قانون بوده و ائمه ما کلاً از برای استقرار قانون شهید شده اند» و پس از آن بیان می کند «اسلام جامع حقایق دنیاست و در روی زمین هر کجا ترقی بروز کند بدانید که در پرتو اسلام است» (ملکم خان، شماره سیزده، روزنامه قانون). در شماره دوازده روزنامه قانون نیز این گونه آمده است: مالیات برای تقویت و اجرای قوانین شریعت خداست و دولتی که قانون ندارد حق ندارد از مردم مسلمان مالیات اخذ کند و این مالیات حرام است. از طرفی در شماره یازدهم روزنامه قانون نیز این گونه می نویسد: ما چیزی نمی خواهیم خارج از قدرت دولت، بلکه آنچه در ولایت عثمانی و در دهات هند و در ایلات وحشی آمریکا معمول است، شما هم بر طبق اصول اسلام در این ملک جاری بسازید. بر این اساس، ملکم خان در جای جای روزنامه قانون از تطبیق مبانی شرع و نداشتن منافات بین شرع اسلام و قانون مدنظر خودش نام برده است که نوعی یک تاکتیک روشنفکرانه برای جلب نظر روحانیون و همراهی آنان با اندیشه های خود بوده است.

۱. البته مراد از روحانیون در اینجا قبل از ایجاد شکاف بین آنان و شکل گیری دو جناح مشروطه خواه و مشروعه خواه است.

ه) فرهنگ سیاسی مقاومت و مخالفت

نفوذ بیگانگان به‌عنوان عامل خارجی و ضعف‌های داخلی دولت زمینه‌ساز شکل‌گیری ایدئولوژی‌های مقاومت شد. از نظر فوران برای تشکیل اتحاد و ائتلاف گروهی نیاز به شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مقاوم است (پناهی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰). به بیان دیگر فرهنگ سیاسی مقاومت بیان‌کننده اهداف و پوشش‌دهنده منافع مشترک گروه‌های چالش‌گر است. آنچه که تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی مخالف بین روحانیون و روشنفکران به‌عنوان چالش‌گر شد عبارت بود از: مبانی عدالت‌خواهی، احساسات ملی که توسط روشنفکران بیان می‌شد، عقاید مذهبی مبنی بر حفظ بیضه اسلام که توسط روحانیون بیان می‌شد و همچنین مخالفت با دولت خودکامه که در بین گروه‌های روحانیون و روشنفکران عامل مشترک بوده است. همه مبانی بالا در تشکیل فرهنگ مقاومت نقش داشته‌اند؛ ولی هر کدام از آنان از جبهه رادیکالی خارج شده و با تسامح بیشتر سبب هم‌نشینی و ائتلاف گروه‌های مخالف در انقلاب مشروطه شد. البته در فتح تهران احساسات رادیکالی رشد پیدا کرد و بنابراین منجر به اعدام و شهادت شیخ فضل‌الله شد.

و) نیاز روشنفکران به تبلیغات مورد نیاز چالش‌گران دیگر (روحانیون)

روشنفکران نیروهایی جدیدی بودند که اندیشه‌های متجددانه داشتند. بنابراین، نمی‌توانستند با جامعه سنتی، بدون واسطه ارتباط برقرار کنند از این‌رو به تبلیغات روحانیون رده بالا (مانند آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی، آیت‌الله نائینی و...) برای بسیج توده‌ها نیازمند بودند. در یکی از محافل مخفی کمیته انقلابی به رهبری ملک‌المکلمین و پنجاه و هفت نفر از روشنفکران عضو آن در خرداد ۱۲۸۳/۱۹۰۴م در یک گردهمایی مخفی برای براندازی استبداد و استقرار حکومت قانون و عدالت برنامه‌ای تدوین کردند. در این برنامه، ارتباط با رهبران مذهبی (روشنفکر)؛ پرهیز از فعالیت‌های غیراسلامی به منظور کاستن از شک و تردید علما و بهره‌گیری از وعظ سخنرانی منظور شده بود بنابراین، برای جلب نظر علمای دینی جوهر آرمان‌های خود را اسلامی خواندند (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰؛ بشیریه، ۱۳۹۱، ص ۲۵۷). کمیته انقلابی که دارای خط و مشی رادیکالی بوده است؛ اما در اینجا با طراحی دو استراتژی براندازی استبداد و استقرار حکومت قانون و عدالت دست به اقدامات تاکتیکی برای جلب رضایت علما زدند. در راستای اقدام‌های تاکتیکی روشنفکران در شماره ۲۴ روزنامه قانون این چنین آمده است: درد ملک ما به هیچ وجه در این نیست که قانون نداریم. چه قانونی صریح‌تر از قوانین خدا که هزار و سیصد سال است اعلام و منتشر شده است. درد اصلی مصیبت ملی ما در این است که ما اهل ایران از شرایط اجرای قانون بالمره غافل مانده‌ایم (ملکم‌خان، ۱۳۶۹).

بنابراین؛ روشنفکران (اعم از درس خواندگان و سیاستمداران غیر مذهبی و مذهبی و تجار آشنا به مسائل سیاسی) در مبارزه با استبداد قاجار و در جهت برپایی نظام پارلمانی در ایران، رهبری سیاسی روحانیون را در انقلاب پذیرفتند. چون نفوذ کلمه اینان را در مردم ما می دانستند، از یک سو مشروطیت و دستاوردهای آن را با موازین شرع تطبیق و مفاهیم اساسی آن را به مفاهیم شرعی تقلیل دادند و از سوی دیگر برای مشروعیت بخشیدن به خواست‌ها و مبارزات سیاسی خود، در پس پرده روحانیون ایستادند تا کار مبارزه سیاسی را به پیش ببرند (آجودانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲). حیثیت و نفوذ کلام علما، در تهییج مردم، چنان بود که از قبل از انقلاب نیز اصلاح طلبان به فکر افتادند آنها را به همکاری فرا بخوانند (اتحادیه، ۱۳۸۱، ص ۴۴). آنها [روشنفکران] خواهان استفاده ابزاری از علما و اقتدار و نفوذ ایشان در جهت تحقق اهداف خویش بودند و بر این اساس، با نفوذ گسترده علما در صحنه سیاست و سپردن زمام امور به ایشان مخالف بودند. آنها در راه رسیدن به مقاصد آزادی خواهانه خود حتی از قتل روحانیون هم ابایی نداشتند به شکلی که در جریان مهاجرت علما به حضرت عبدالعظیم (علیه السلام)، جمعی از اعضای انجمن [ملی] هم قسم می شوند که اگر علما به جای مشروطه و عدالتخانه با خواسته‌های ناچیز سازش کنند، سیدین را به قتل برسانند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳، ص ۲۵۲).

به بیان دیگر روشنفکران توان بسیج منابع را نداشتند و این به سبب عدم نفوذ اجتماعی آنان در جامعه بوده است؛ از این رو برای استفاده از مهارت‌های رهبری روحانیون دست به ائتلاف با آنها زدند. چراکه «بدون رهبری، نارضایتی اجتماعی تنها می تواند به شورش بینجامد» (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۸۸) ولی هدف روشنفکران استقرار نظام مشروطه بود که لازمه آن همسو کردن اهداف خود با تعالیم اسلامی و ائتلاف با روحانیون بود. از این رو بنابر آنچه تیلی اظهار می کند برای به وجود آمدن سازمان نیازمند به وجود آمدن شبکه روابط و آگاهی و هویت مشترک گروهی است. به بیان دیگر ائتلاف برای اینکه بتواند به موفقیت برسد و مقاومت داشته باشد نیازمند سازماندهی است. در جنبش مشروطه به وجود آمدن شبکه روابط از طریق سید محمد طباطبایی و فرزندش صورت گرفته بود. ارتباط طباطبایی از طریق سید جمال‌الدین - که هم در جرگه روشنفکران تلقی می شد و هم در کسوت روحانیت بوده است - شکل گرفت. «طباطبایی یک اصلاحگر میانه‌رو شناخته می شد؛ زیرا با سید جمال‌الدین همکاری نزدیکی داشت، مؤسس یکی از نخستین مدارس جدید در تهران بود و پسرش محمدصادق طباطبایی را برای آموختن زبان‌های اروپایی به استانبول فرستاده بود» (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳).

در آغاز و در مهاجرت صغری تنها خواسته مهاجران برپایی عدالتخانه بوده است؛ ولی پس از مهاجرت کبری به قم خواسته نیروهای ائتلافی مبنی بر صدور فرمان مشروطیت تغییر یافت. بنابراین، بیرون رفتن علما از قم و خالی شدن تهران از فقها و علمای مردمی بسیار برای مشروعیت سلطنت خطرناک بود. بر این اساس، روشنفکران در همان مهاجرت کبری پیام‌هایی برای روحانیون دادند و

خواستار عدم کوتاهی آنان تا گرفتن فرمان مشروطه شدند. در واقع این روحانیون بودند که با بسیج توده‌ها و بست‌نشینی‌ها و مهاجرت خود به ری (مهاجرت صغری) و قم (مهاجرت کبری) توانستند به دولت قاجار فشار آورده و فرمان مشروطیت را به دست آورند. روشنفکران نیز که ایدئولوگ‌های مشروطیت بودند به واسطه روحانیون توانستند بخشی از خواسته‌های خود را به منصفه ظهور رسانند. بنا به گفته ملک‌زاده فشارهای پیاپی روشنفکران و مشروطه‌طلبان سبب شد تا روحانیون در ائتلاف باقی بمانند. چراکه از یک‌سو عده‌ای از مشروطه‌طلبان هم قسم شدند تا در صورتی که بهیمنی و طباطبایی از در سازش با عین‌الدوله وارد شوند آنها را بکشند و از سوی دیگر روشنفکران با صدور شب‌نامه‌هایی به نام علما مبنی بر بدگویی نسبت به علما، فشار مردم و بازاریان را بر روحانیون و به‌ویژه بهیمنی و طباطبایی بیشتر می‌کردند و گاهی هم آنها را متهم می‌نمودند که رشوه گرفته‌اند و به ساز عین‌الدوله می‌رقصند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳).

همان‌گونه که تیلی می‌گوید تغییر راهبرد گاهی سبب گسترش ائتلاف است. از این‌رو روحانیون نیز در جریان مشروطه^۱ یک تغییر راهبرد اساسی داشته‌اند؛ آنها که از دوره صفوی و همچنین در دوره قاجار - البته در دوره محمدشاه اختلاف‌هایی میان علما و پادشاه به وجود آمده بود - به‌ویژه در زمان فتحعلی‌شاه^۲ با فراز و نشیب در کنار پادشاهی قرار داشتند، این بار راهبردشان را تغییر داده و به مخالفت با استبداد پرداختند در نتیجه این امر، منجر به گسترش ائتلاف با سایر چالش‌گران غیر عضو شد.

ز) منافع روحانیون و روشنفکران

منافع در نظریه تیلی عبارت است از انواع خواسته‌ها، اهداف و امتیازات و ضد امتیازات احتمالی که برای اعضای یک جمعیت می‌تواند حاصل شود. بنابراین باید توجه داشت که منظور از منافع، لزوماً خواسته‌های مادی نیست (پناهی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۸). بخشی از آنچه که سبب ائتلاف چالش‌گران در جنبش مشروطه شده است را باید در منافع آنها جستجو کرد. تیلی می‌نویسد، بیشتر نظریه‌ها، منافع را به خوبی شناسایی نکرده‌اند و از این‌رو سبب ایجاد گزاره‌های رقیبی درباره منافع و سازمان شده‌اند. او برای شناخت درست منافع دو گزینه را بیان می‌دارد: ۱. تشخیص منافع از اظهارات و کنش‌های خود جمعیت؛ ۲. از طریق تحلیل کلی ارتباط‌های میان منافع و موقعیت

۱. البته این تغییر راهبرد از تحریم تنباکو آغاز شده بود. چراکه در آنجا روحانیون برای اولین بار در برابر نظام سلطنت ایستادگی کردند.

۲. این موضوع از یک‌سو ناشی از اعتقادات درونی برخی از پادشاهان و احترامی که برای روحانیون قائل بودند مانند فتحعلی‌شاه قاجار بود و از سوی دیگر برخی از علما نیز در زمان غیبت پادشاهی را می‌پذیرفتند و برخی دیگر از روحانیون که ولایت در عصر غیبت را حق علما می‌دانستند نمی‌توانستند مستقیماً وارد عرصه شوند چراکه شرایط سیاسی چندان مهیا نبود.

اجتماعی آنها (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۹۲). بنابراین باید گفت آنچه که سبب در کنار هم نشستن و ائتلاف روحانیون و روشنفکران در جنبش مشروطه شده است ناشی از منافع ذهنی و عینی آنان بوده است. منافع عینی آنان را می‌توان از طریق اظهاراتشان به دست آورد و منافع ذهنی آنان را می‌توان از طریق تفهم وبری کشف کرد. در اینجا منافع آنها با استفاده از هر دو مورد شناخته شده است.

پس از ماجرای به چوب بستن تجار، و در بست نشینی اول که در حرم عبدالعظیم (علیه السلام) شکل گرفت درخواست بست نشینان که نشان‌دهنده منافع آنهاست بدین ترتیب بوده است: ۱. نبودن عسکرگاریچی در راه قم؛ ۲. بازگشت حاجی میرزا از رفسنجان به کرمانشاه؛ ۳. بازگشتن تولیت مدرسه خان مروی به حاجی شیخ مرتضی؛ ۴. پی‌افکنندن عدالتخانه در سراسر ایران؛ ۵. روان گردانیدن قانون اسلام به همگی مردم کشور؛ ۶. برداشتن مسیو نوژ بلژیکی از گمرک و مالیه؛ ۷. برداشتن علاءالدوله از حکمرانی تهران؛ ۸. کم نکردن تومانی ده شاهی از مواجب و مستمیری (کسروی، ۱۳۴۹، ص ۶۷). یحیی دولت‌آبادی سه مورد دیگر نیز اضافه کرده است: ۱. امنیت دادن به همراهان ایشان بعد از آمدن آنها به شهر؛ ۲. برداشتن قیمت تمبر دولتی از مستمریات روحانیون؛ ۳. تجلیل نمودن از میرزا محمدرضا یکی از علمای کرمان که از طرف حکومت کرمان به او بی‌احترامی شده است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، ص ۲۲). پس از گذشت هشت ماه، و اجرا نشدن خواسته‌های ملت، این بار علما تصمیم به مهاجرت به عتبات گرفتند؛ ولی در قم متحصن شدند (همان، ۷۰). این بار علما مطالبات جدیدی را از حکومت خواستار شدند که به شرح زیر است: ۱. بازگشت علما و مهاجرین به تهران؛ ۲. عزل شاهزاده عین‌الدوله از صدارت؛ ۳. افتتاح مجلس شورای ملی؛ ۴. قصاص قاتلین شهدای وطن؛ ۵. تبعیدشدگان به تهران بازگردند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳، ص ۳۷۶). این مطالبات پوشش‌دهنده منافع عینی و ذهنی چالش‌گران است. البته حفظ بیضه اسلام خود به‌عنوان یکی از منافع ذهنی اصلی روحانیون تلقی می‌شود که در تمام تلگرافات و نامه‌نگاری‌های آنان به این موضوع اشاره شده است. همچنین سکولاریسم نیز از جمله منافع ذهنی روشنفکران بود.

ح) عدم آگاهی نسبت به مشروطه

همواره آگاهی رکن اساسی در بروز هر جنبش و انقلابی تلقی می‌شود؛ اگرچه در جنبش مشروطه آگاهی نسبت به حق ملت و مبارزه با استبداد در بین نیروهای اجتماعی رشد کرد؛ اما آگاهی در دو طیف روشنفکر و روحانی در خصوص اصول مشروطه و نسبت آن با جامعه خود ایجاد نشده بود.

۱. این درخواست از سوی روشنفکران به روحانیون تحمیل شده بود و اگرچه ملک‌زاده از مجلس شورای ملی نام می‌برد اما درخواست روحانیون نسبت به تأسیس دارالشورا بود.

از این رو تلاش روحانیون معروفی مانند بهبهانی، طباطبایی، نائینی و آخوند خراسانی در بسیج مردم، هر چند بسیار مهم و کارساز بود؛ اما باید دانست که (برخلاف نظر برخی از محققان) آنان درک روشنی از هدف‌های عرفی و غیراسلامی مشروطیت نداشتند چراکه فلسفه سیاسی مشروطیت، متأثر از فلسفه سیاسی غرب بود در حالی که علمای مشروطه، عموماً اطلاعی از فلسفه سیاسی غرب یا اروپا نداشتند، از این رو بعد از قدرت‌گیری مجلس و طرح قوانین غیراسلامی، آنان به تدریج از جنبش دلسرد و جدا شدند. سخن آیت‌الله طباطبایی در این باره که می‌گفت: سرکه ریختیم، شراب شد بسیار پر معناست (میرفطرس، ۱۳۹۵، ص ۱۶۰). او پس از مدتی به این نتیجه رسید که آزادی کامل مطبوعات، از بین بردن رسم بست‌نشینی، غیرروحانی کردن عدلیه و معارف نقش علما در اجتماع را ضعیف خواهد کرد (کسروی، ۱۳۴۹، ص ۲۳۹؛ اتحادیه، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱). البته با توجه به مبانی نظری تحقیق هر دو گروه برای تشکیل ائتلاف نیازمند آگاهی بخشی از گروه‌های جامعه نسبت به منافع گروه خود بودند. روحانیون و روشنفکران نسبت به وجود عدالتخانه در جامعه که تأمین‌کننده منافع هر دو گروه بوده است آگاهی داشتند؛ اما از مبانی مشروطیت و پارلمانتاریسم به معنای دقیق آن اطلاعی نداشتند. چراکه مشروطه ایران درست در زمانی روی داد که هیچ سابقه ذهنی و تجربه عملی از نظامی قانونمند، بر طبق موازین رایج زمان، در این مرز و بوم وجود نداشت. بنابراین، جریان روشنفکری، از نظام مشروطه ذهنیت مطابق با واقع نداشتند. بحث در این است که هیچ‌کس از ماهیت دوران جدید که سیطره بر عالم و آدم بنیاد آن و قانون و مشروطه و اصناف نظام‌های جدید سیاسی از الزامات آن بود، بحثی به میان نیاورد. روشنفکران یا کار جدی انجام ندادند و یا اینکه مشروطه را در حد مقالات روزنامه‌ای تنزل دادند. ایرانیان در آن دوره [قاجار] مفاهیمی را به کار گرفتند که تجربه تاریخی و زبانی آن را نداشتند (آبادیان، ۱۳۸۴؛ احمدی و منشادی، ۱۳۸۷). فهم آنان {منورالفکران یا روشنفکران} از جهان بیرونی نه از طریق اندرنامه‌های ادبی، بلکه به واسطه روشنگری فرانسوی بود (آبراهامیان، ۱۳۹۴، ص ۷۵). عمده اقدامات روشنفکران در حوزه سیاسی و با توجه به الهام‌گیری آنان از انقلاب فرانسه بوده است در حالی که فعالیت فرهنگی برای زمینه‌سازی‌های اساسی و فرهنگی چندان صورت نگرفته بود در نتیجه مشروطه در فضایی سراسر تضاد شکل گرفت و برای همین چهره‌ای ژنوسی به خود گرفت و در پایان نیز به ناپایداری ائتلاف انجامید.

روحانیون به واسطه اندیشه‌های جریان روشنفکری با مفاهیم جدید تجدد و نوگرایی مواجه شدند. روشنفکران اندیشه‌های مربوط به مشروطه‌خواهی را نیز به صورت وارونه به روحانیون انتقال دادند و از این رو، روحانیون تا پیش از تدوین قانون اساسی مجلس و تشکیل مجلس شورای ملی که قرار بود مجلس شورای اسلامی باشد با تفکرات ضد اسلامی مشروطیت طرح شده از سوی، روشنفکران آشنا نبودند. شیخ فضل‌الله نوری در این زمان متوجه این تضاد و به خطر افتادن بیضه

اسلام شد. در برابر آن ایستادگی کرد و جان خود را در راه دفاع از شریعت و حفظ دین اسلام مطابق تفسیر خود نهاد.

ط) کنار گذاشتن بخشی از خواسته‌ها (منافع)

در هر ائتلافی برای شکل‌گیری سازمان ائتلافی نیاز به کنار نهادن بخشی از خواسته‌ها و اهداف چالش‌گران حداقل به‌طور موقت وجود دارد تا از این طریق چالش‌گران بتوانند حمایت افراد و گروه‌های چالش‌گر عضو یا غیرعضو را به دست آورند. آنچه که، در این بین وجود دارد مربوط به کنار نهادن موقتی بخشی از خواسته‌های روشنفکران مانند رسیدن به دموکراسی، عدم دخالت روحانیون در سیاست است. این عوامل بعد از مجلس دوم آشکارتر شد که سبب ترک بیعت (افتراق) روشنفکران از روحانیون و حمایت آنها از چالش‌گران^۱ جدیدی شد. سکولاریسم یکی از اهداف روشنفکران در مشروطیت بود که در ابتدا آن را به‌طور علنی ابراز نمی‌کردند چراکه، سبب جدایی آنان از روحانیون می‌شد.

آنها می‌گفتند: «سکولاریسم نفوذ محافظه‌کارانه روحانیون را نابود خواهد کرد» (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۸۰). آنها سه ابزار مشروطیت، سکولاریسم و ناسیونالیسم را سه ابزار اساسی برای بنای یک جامعه‌ای نوین و توسعه‌یافته در نظر داشتند (همان، ۸۰). بنابراین، هدفی که در مجلس دوم و در تدوین قانون اساسی بیشتر خود را نشان داد، یکی از عوامل شکست ائتلاف روحانیون و روشنفکران شد.

ی) نیازها و حقوق اقتصادی

روحانیت طی دهه‌های ۱۷۶۰م / ۱۱۵۰ش به تدریج موقعیت پیشین را به دست آورد و دیگر از تعدی نادرشاه افشار به جان و مال‌شان خبری نبود. روند دور شدن بخش بیشتر روحانیت از ایفای نقش حامی دولت و کنترل‌کننده موقوفه‌ها و متکی شدن معیشت آنان به شبکه‌های خویشاوندی و بازار، همچنان ادامه یافت. بنابراین، آنچه که متحصنین در حرم عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) بیان داشتند کم نکردن تومانی ده شاهی از مواجب و مستمری و برداشتن قیمت تمبر دولتی از مستمریات روحانیون از خواسته‌های روحانیون بوده است (کسروی، ۱۳۴۹، ص ۶۷؛ دولت آبادی، ۱۳۶۱، ص ۲۲). از این‌رو، روحانیون به دنبال حقوق اقتصادی به‌عنوان منافع عینی خود نیز بودند که دولت قاجار نسبت به آن بی‌توجهی می‌کرد. چراکه، روحانیت به واسطه مستمری و حقوقی که از دولت دریافت می‌کرد می‌توانست طلبه‌های بیشتری را برای حفظ اسلام تربیت و پرورش کند. از این‌رو، قطع این حقوق ضربه‌ای به روحانیون محسوب می‌شد. به بیان دیگر، منافع عینی و ذهنی روحانیون

۱. آنها به حمایت از رضاخان که در این دوره رئیس‌الوزرا بود روی آوردند.

در گرو یکدیگر بود. البته باید دانست که طرح مبحث اقتصادی برای روحانیون، برای حفظ بیضهٔ اسلام و جامعهٔ مسلمین بوده است.

ک) برکناری برخی رجال و جایگزینی چهره‌های جدید

شاید در آغاز مشروطه، هدف انقلابیون این بود که چهره‌های جدیدی را جایگزین رجال قدیمی کنند چنان‌که، کامران میرزا پدر زن شاه و ظل السلطان حکمران قدرتمند اصفهان، نصرت الدوله پسر فرمانفرما و یکی دیگر از شاهزادگان بانفوذ، اقبال السلطنه و قوام الملک را که جملگی از رجال با سابقه بودند از کار برکنار کردند (اتحادیه، ۱۳۷۵، ص ۲۱). یعنی همان‌گونه که در اظهارات مشروطه‌خواهان آمده است و به‌ویژه در مهاجرت کبری، یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های آنان حذف برخی افراد و جایگزین کردن سایر افراد بوده است. از جمله حذف مسیو نوژ بلژیکی از سمت گمرک و مالیه که مقررات گمرکی را به نفع روسیه و بلژیک طراحی کرده بود، حذف علماء‌الدوله که تجار را به دار فلک بسته بود. در ماجرای مهاجرت کبری نیز به سبب بی‌توجهی‌های عین‌الدوله در اجابت درخواست‌های متحصنین، آنان خواهان عزل عین‌الدوله شدند. همچنین در مهاجرت صغری متحصنین خواهان بازگرداندن میرزا محمدرضا از رفسنجان به کرمان، و بازگرداندن تولید مدرسه خان مروی به حاج شیخ مرتضی بودند (آفاری، ۱۳۷۹، ص ۷۹؛ کسروی، ۱۳۴۹؛ دولت آبادی، ۱۳۶۱). پس از آنکه عین‌الدوله از درخواست‌های متحصنین روی برگرداند آنها افزون بر عزل او خواهان برپایی مجلس مشروطه شدند، تا به این واسطه از تکرار اقداماتی این چنینی جلوگیری کنند و اختیارات سلطنت را مشروط کنند. این جایگزینی‌ها نیز در خصوص واگذاری مشاغل به چالش‌گران برای گسترش و موفقیت ائتلاف لازم بود.

ل) تقدم تشکیل عدالتخانه بر مجلس مشروطه

نخست خواسته‌های متحصنین به سوی تأسیس عدالتخانه سوق داشت، تا به این واسطه روحانیون بتوانند وارد جامعهٔ سیاسی شده و مناصب قضایی کشور را در دست بگیرند و همچنین قوانین اسلامی را در رویهٔ قضایی اعمال کنند و از این راه عدالت‌خواهی را براساس قوانین شرع اسلام اجرا کنند، اما در مهاجرت کبری این خواستهٔ آنان تبدیل به خواسته بزرگ‌تری برای تدوین تمام قوانین اجرایی در کشور شد، این بار آنان می‌توانستند بخش بزرگی از جامعهٔ سیاسی را در دست گیرند. با توجه به نظریهٔ تیلی باید گفت این منافع افراد بود که سبب ائتلاف آنان با یکدیگر شده بود. یعنی روحانیون منافع خود را در تأسیس دارالشورا با نظارت شرع بر قوانین اسلامی می‌دیدند. این موضع قدرت چندین برابری را به روحانیون در فضای سیاسی جامعه اعطا می‌کرد. بنابراین؛ ضمن پذیرش

ائتلاف روشنفکران، مطابق با ایده‌های آنان (که مشروطه را مطابق قوانین اسلام بیان می‌کردند) درباره مشروطیت، خواهان برگزاری دارالشورا شدند. بنابراین؛ در این مرحله مشروطه‌خواهان دست به بسیج تهاجمی برای رسیدن مجلس مشروطه زدند. در حالی که خواسته‌های متحصنین در مهاجرت صغری در بر گیرنده بسیج تدافعی بوده است.

م) قانون‌مداری

در شماره ۲۴ روزنامه قانون درباره قانون‌مداری این‌گونه آمده است: زندگی، آسایش، عیش، عبادت، ترقی، دنیا و آخرت ما بسته به اجرای قانون است... در تحقیق امور ملل، اول نکته‌ای که بر عموم اولیای علم ثابت شده، این است که وجود قانون بر هیچ ملک ظاهر نمی‌شود مگر به همدستی سه قدرت جداگانه. اول قدرت وضع قانون. دوم قدرت اجرای قانون. سوم قدرت مراقبت اجرای قانون. در ممالک اسلام قدرت وضع قانون مثل آفتاب روشن و فایق بر جمیع قوای دنیا است. زیرا اصول کل قوانین را خدا و رسول خدا و اولیای دین، تماماً و کاملاً معین و مقرر فرموده‌اند (ملکم‌خان، ۱۳۶۹). در واقع روشنفکران سعی داشتند تا از این طریق حمایت روحانیون را کسب کنند. آجودانی در این باره می‌نویسد: روشنفکران ناگزیر بودند مفاهیم نظام مشروطیت را به زبان شرعی بیان کنند تا حمایت روحانیون صاحب نفوذ یا بخشی از آنان را جلب کنند (آجودانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳). البته تفاوت نگاه روشنفکران و روحانیون در قسمت مربوط به نص قوانین است که در ذات تعبدی‌اند و بخش غیرمنصوص نیز نوعاً موقوف به نظر حاکم شرع می‌باشد از این رو؛ آیت‌الله نائینی در این باره می‌گوید: یا بالضرورة یا منصوصاتی است که وظیفه عملیه آن بالخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است، و یا غیرمنصوصی است که وظیفه عملی آن به واسطه عدم اندراج در تحت ضابط خاص و میزان مخصوص غیرمعین و به نظر و ترویج ولی نوعی موکول است (نائینی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴). با توجه به نظر مرحوم نائینی قسم اول قوانین لازمه تعبد است و قسم دوم قوانین را با توجه به مصالح و مقتضیات هر عصر قابل تغییر می‌داند. قانون مشروطه براساس نظرات مرحوم نائینی در همان بخش غیرمنصوص که آن هم بنا بر نظر ولی موکول است؛ یعنی در اینجا نظارت علما بر قوانین مجلس لازم دانسته شده است. مستشارالدوله نیز در رساله موسوم به یک کلمه نبودن قانون در مملکت مشکل اساسی کشور می‌داند و می‌گوید در مملکتی که قانون باشد هر کس به قانون معین و وظیفه خود داند و به کار و شغل خود پردازد لا محاله ستم نکند و ستم نبیند... قانون حسب الاصول مذکوره در زیر کفایت دولت و امت است و بقای او عین بقای جان و مال و جماعت است (مستشارالدوله، ۱۳۹۲، ص ۳۰). این همسویی‌ها در اعتراض نسبت به نبودن قانون در کشور سبب نزدیکی جناح‌ها و

ائتلاف آنها شد. در واقع تمام هدف جریان روشنفکری از طرح این خواسته‌ها به سبب گذار به دموکراسی بود. یعنی آنها تمام تلاششان را در جهت ایجاد دموکراسی در کشور معطوف داشتند. در حالی که روحانیون هر چیزی را ذیل قدرت خدا تعریف می‌کردند ولی؛ نظر روشنفکران بیشتر معطوف به قوانین اومانستی بود و به نوعی می‌توان گفت نگاهی اگزستانسیالیسم سارتری داشتند. با این وجود وجه مشترک آنها در نبودن قانون در کشور بود.

ن) استبدادستیزی

استبدادستیزی یکی دیگر از منافع مشترک ذهنی برای روحانیون و روشنفکران بوده است. در این دوره «ملت ایران بی‌گفتگو اسیر پنجه استبداد مطلقه شاه بود و در زیر فشار مأموران دربار و حکام دولتی، خرد می‌شد» (پاولویچ،^۱ ۱۳۵۷، ص ۱۲۹). اقدام‌های خودسرانه شاه سبب وابستگی هرچه بیشتر کشور به بازار جهانی و ناراضیاتی گروه‌های اجتماعی شده بود. شیخ محمد شیرازی درباره ضرر استبداد بیان می‌کند: استبداد انسان را کور و کر، ترسو، ضعیف، منکوب، ذلیل و خوار می‌کند و به عکس مشروطه انسان را عالم، بینا، شجاع، باجرت، باقوت، باغیرت، سربلند، بیدار، دارای علم و صنعت، مساوی در برابر قانون و عدل می‌کند (کرمانی، ۱۳۷۱، ص ۲۶۰-۲۸۹). بنابراین؛ استبدادستیزی که لازمه‌اش داشتن قانون و عدالتخانه و یا مجلس مشروطیت بود، به‌عنوان یک کلیدواژه اساسی پیشگام تلقی شد.

س) افزایش قدرت بسیج، به واسطه گسترش ائتلاف

از آنجایی که روشنفکران از نفوذ اجتماعی روحانیون در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه عصر قاجار اطلاع داشتند و با توجه به نیاز جنبش به گسترش و حمایت سایر گروه‌های درگیر در مشروطه، روشنفکران به فکر ائتلاف تاکتیکی با روحانیون افتادند. بنابراین؛ از این طریق آنها می‌توانستند از حمایت گروه‌های بازاریان در تأمین منابع مالی برای افزایش قدرت بسیج برخوردار شوند. از سوی دیگر همان‌گونه که تیلی بیان می‌دارد یکی از علل ائتلاف افزایش قدرت بسیج از طریق کسب حمایت و جذب منابع از سایر گروه‌ها می‌باشد. بدین جهت در ائتلاف مشروطه‌خواهان مسئولیت تأمین منابع فایده‌مندانه شامل کالاها و پول بر عهده بازرگانان و تجار قرار گرفته بود. علت حمایت بازرگانان از ائتلاف از یک سو جهت حفظ منافع طبقاتی‌شان و از سوی دیگر حضور و نفوذ روحانیون بوده است چراکه؛ این دو گروه همواره در کنار هم بوده‌اند. کسروی در این باره می‌نویسد: «تجار مخارج پناهندگان در سفارت و مهاجران را در قم همچون

1. Pavlovich

نوبت قبل در حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) پرداخت می‌کردند» (کسروی، ۱۳۴۹، ص ۱۱۰). بنابراین؛ روشنفکران از طریق ائتلاف با روحانیون از حمایت بازاریان نیز برخوردار می‌شدند.

ع) حفظ بیضه اسلام

آخوند خراسانی در خصوص حفظ بیضه اسلام در یک تلگراف که نظرش را درباره احکام منتسب به او جویا شده بودند بیان می‌کند: بلی مفاد احکام صادره از احقر و سایر آقایان عظام دامت برکاتهم لزوم موافقت و تشیید همین مجلس محترم ملی شیدالله ارکانه و نصر اعوانه است که فعلاً در تهران در بهارستان منعقد است. و به حمدالله موجب حفظ بیضه اسلام و حوزه مسلمین و رفع ظلم و تعدیات و حصول مقاصد و ممنیاتی است که سال‌های سال آرزو و تمنا داشتیم (آفانجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۲۹). تا قبل از مشروطه مفهوم بیضه اسلام بیشتر در جهت عرصه جهاد مطرح می‌شده است. از این‌رو وقتی آخوند خراسانی این مفهوم را برای مشروطه به کار می‌گیرد نشان می‌دهد که مشروطیت چقدر ارزش و اهمیت دارد تا جایی که برپایی آن را هم‌پایه جهاد دانسته‌اند. البته؛ در برخی از تذکرة‌های دیگر نیز اطاعت پادشاه به‌عنوان حفظ بیضه اسلام دانسته شده است. مؤلف دلایل البراهین عنوان می‌کند: در وجوب اطاعت سلطان وقت و دعای بقای پادشاه که حفظ بیضه اسلام و آسایش خاص و عام و انتظام مهام و اجرای احکام ملک و علام و ترویج شریعت حضرت خیرالانام منوط به وجود مسعود پادشاه است (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۱۹۶). از این‌رو حفظ بیضه اسلام برای روحانیون ارزش اساسی داشته است؛ ولی تفسیر آنها متفاوت بود. در حالی که برخی از روشنفکران برای خودشان ایدئولوژی ناسیونالیسم را با توجه به سرهنویسی بیان می‌کردند و نوعاً مقابل اندیشه روحانیون بودند، اما با یک تاکتیک تاریخی همراهی آنان را جلب کردند.

جدول ارزش‌های ائتلاف در جنبش مشروطه

نتیجه		عوامل علی و معرف‌ها	
		زمینه‌های ائتلاف	
نتیجه	ائتلاف	عوامل علی	معرف‌ها
بله	تعبیر راهبردها (O) بحران کارآمدی (N)	امضای فرمان مشروطیت، تشکیل مجلس شورای ملی	بله
بله	بحران کارآمدی (N)	طرح نظریه ولایت فقیه، تطبیق مشروطه با شرع (روشنفکر)	بله
بله	بحران کارآمدی (N)	نا توانی دولت و واگذاری امتیازات سبب اعتراض گروه‌های اجتماعی شد.	بله
بله	کنار گذاشتن بخشی از اهداف (m)	روشنفکران برای به دست آوردن حمایت ائتلافی روحانیون و بازار از بخشی از خواسته‌های ذهنی خود چشم‌پوشی کردند.	خیر
بله	نفوذ بیگانگان و بحران سلطه (L)	ضعف نظامی کشور نفوذ بیگانگان در کشور و دادن امتیازات جنگی برای رسیدن به اهدافشان شد.	بله
بله	تشکیل عدالتخانه (K)	به چوب بستن تاجار بازار به‌طور خودسرانه سبب مطالبه عدالتخانه برای رسیدگی، به شکایات مردم شد و روحانیت قضات آن باشند.	بله
بله	قانون (I)	وجود قانونی که بتوان بر آن اساس عدالت را اجرا کرد.	بله
بله	برکناری برخی رجال (I)	پس از ماجرای به چوب بسته شدن تاجار معروف قند در تهران توسط عین‌الدوله نیروهای اجتماعی خواستار عزل او شدند.	بله
بله	تشکیل مجلس مشروطه (H)	خواستاره اساسی روشنفکران برای رسیدن به دموکراسی بود.	بله
بله	گذار به دموکراسی (g)	آزری دیرینه روشنفکران با توجه به آنچه در غرب دیده بودند.	بله
بله	عدم آگاهی به مشروطه (F)	تعبیر وارونه مشروطیت توسط روشنفکران به گونه سطحی در القای آن به روحانیت.	بله
بله	افزایش قدرت بسیج به واسطه گسترش ائتلاف (e)	روشنفکران از طریق ائتلاف ناکیبکی با روحانیون توانستند حمایت بازاریان را نیز به دست آورند.	خیر
بله	نیاز به تبلیغات (d)	روشنفکران برای تبلیغ افکار اصلاح طلبانه نیاز به روحانیت و به‌ویژه انحصار رده بالای آنان برای بسیج منابع داشتند.	خیر
بله	منافع و حقوق اقتصادی (C)	حقوق روحانیت قطع شده بود، منافع برخی روشنفکران نیز با توجه به پایگاه طبقاتی‌شان در خطر بود.	بله
خیر	حفظ بیضه اسلام (b)	حفظ بیضه اسلام اولین هدف روحانیت بود.	بله
بله	استبدادستیزی (A)	مبارزه با استبداد از جمله اهداف مهم مشروطه‌خواهان بود.	بله
روشنفکران	موردها		روحانیون

براساس این جدول موارد، حفظ بیضه اسلام، نیاز به تبلیغات، افزایش قدرت بسیج به واسطه افزایش ائتلاف، گذار به دموکراسی، عواملی هستند که در برخی موارد رخ ندادند و حذف شدند؛ البته این عوامل نیز خود سبب نزدیکی روحانیون و روشنفکران به یکدیگر می‌شد. ده عامل دیگر که در همه موارد وجود داشت به‌عنوان شروط لازم در جدول بالا باقی می‌مانند. لازم به ذکر است که موارد زیر به‌عنوان علل قطعی تلقی نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان موارد لازم برای شکل‌گیری ائتلاف هستند. به بیان دیگر موارد زیر در بین روحانیون و روشنفکران مشترک بوده است.

[ناتوانی دولت در اقتصاد]، [نفوذ بیگانگان و بحران سلطه]، [تغییر راهبردها]، [منافع و حقوق اقتصادی]، [برکناری برخی رجال]، [تشکیل عدالتخانه]، [مجلس مشروطه]، [استبدادستیزی]، [قانون]، [عدم آگاهی به مشروطه]، [تشکیل مجلس مشروطه] = < [ائتلاف روحانیون و روشنفکران]

نتیجه‌گیری

جنبش مشروطه به‌عنوان نخستین جنبشی است که در تاریخ معاصر ایران در راستای مدرن کردن جامعه گام برداشته است. بر این اساس، برای اولین بار عناصر سنتی و مدرن یا کهنه و جدید با مفاهیم مدنظرشان توانستند در کنار هم بنشینند. نیروهای اجتماعی که در این جنبش نقش داشته‌اند بازاریان، روحانیون و روشنفکران بوده‌اند که در این پژوهش به ائتلاف دو گروه روحانیون و روشنفکران، که با وجود تفاوت‌های بنیادی در اندیشه داشتند؛ توانستند با هم همراه شده و به نوعی ائتلاف کنند اشاره شده است. این ائتلاف اگرچه؛ نخستین ائتلاف در تاریخ معاصر کشور بوده است، اما به نوعی تعیین‌کننده سایر ائتلاف‌های صورت گرفته در کشور بود. ائتلاف جنبش مشروطه نشان می‌دهد عوامل مشترک: ناتوانی دولت در اقتصاد، نفوذ بیگانگان و بحران سلطه، نیازها و حقوق اقتصادی، حذف برخی رجال، تشکیل عدالتخانه، استبدادستیزی، قانون، عدم آگاهی به مشروطه، تشکیل مجلس مشروطه و تغییر راهبردها، شروط لازم برای ائتلاف روحانیون و روشنفکران است. ائتلاف آنان سبب پیروزی جنبش مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی شد، اما پس از آن و با تشکیل مجالس اول و دوم بروز تنش‌ها و تضادها بین روحانیون و روشنفکران افزایش یافت و در نتیجه جدایی آنان را ایجاد کرد. بنابراین، ائتلافی که در نخست باعث به وجود آمدن یکی از نهادهایی مدرن یا شبه‌مدرن برای رسیدن به آزادی و دموکراسی شده بود پس از بروز تنش‌ها و افتراق بین روحانیون و روشنفکران؛ نه تنها اصول آزادی و دموکراسی را از بین برد؛ بلکه این بار زمینه‌ساز روی کار آمدن دولتی اقتدارگرا شد. دولتی که بسیار اقتدارگرایانه‌تر از دولت‌های قبل بود و

تنها توانسته بود نوسازی را با اقتدارگرایی جمع کند. برای همین ابتدا روشنفکران از آن حمایت کردند؛ ولی بعدها حمایت‌شان را از او سلب کردند. به نوعی می‌توان مرکز ثقل ائتلاف روشنفکران با روحانیون را در بسیج منابع برای رسیدن به جنبش حداکثری و پیروزی در جنبش مشروطه از سوی روشنفکران دانست و همراهی روحانیون با آنان نیز بیش از هر چیزی برای حفظ جامعه اسلامی از نفوذ بیگانگان و به خطر افتادن اسلام بوده است.



منابع

۱. آبادیان، حسین (۱۳۸۴)، «پایان مشروطه آغاز استبداد»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۱۰، ص ۸-۲۹.
۲. آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴)، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، چاپ یازدهم، تهران: نشر نی.
۳. _____ (۱۳۹۱)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ نوزدهم، تهران: نشر نی.
۴. آجودانی، ماشالله (۱۳۸۷)، مشروطه ایرانی، چاپ نهم، تهران: نشر اختران.
۵. آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران (۱۹۰۶-۱۹۱۱)، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
۶. آفانجفی قوچانی (۱۳۷۸)، حیات الاسلام فی احوال آیه الملک العلام، به کوشش رع شاکری، تهران: نشر هفت.
۷. اتحادیه، منصوره (۱۳۷۵)، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
۸. _____ (۱۳۸۱)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، چاپ اول، تهران: نشر متاب سیامک و نشر تاریخ ایران.
۹. احمدی، حمید و مرتضی منشادی (۱۳۸۷)، «پیوستار تاریخی جنبش‌های اجتماعی-سیاسی معاصر ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (علمی-پژوهشی)، دوره ۳۸، ش ۴، ص ۳۹-۵۴.
۱۰. بشریه، حسین (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ بیستم، تهران: نشر نی.
۱۱. _____ (۱۳۹۰)، انقلاب و بسیج سیاسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. _____ (۱۳۸۷)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی، تهران: نشر نگاه معاصر.
۱۳. پاولویچ، م، و، تریا، س، ایرانسکی (۱۳۵۷)، سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران، ترجمه م هوشیار، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۱۴. پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱)، نظریه‌های انقلاب، چاپ سوم، تهران: نشر سمت.
۱۵. تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۹)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: نشر فردوس.
۱۶. تیلی، چالرز (۱۳۸۵)، از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی‌زاد، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۷. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، حیات یحیی، تهران: نشر فردوسی.
۱۸. زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۷)، رسائل مشروطیت، تهران: انتشارات کویر.
۱۹. حسین قزل‌ایاق، ایمان (۱۳۹۱)، ائتلاف‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. فاضلی، محمد؛ علی کریمی و معصومه آشتیانی (۱۳۹۳)، «رویکرد ساختاری-نهادی به علل ناپایداری ائتلاف مشروطه‌خواهان»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ششم، ش ۱، ص ۹۳-۱۳۶.
۲۱. فوران، جان (۱۳۹۲)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، چاپ چهاردهم، تهران: نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۲. کاتوزیان، همایون (۱۳۹۴)، ایرانیان دوران باستان تا دوره معاصر، ترجمه حسین شهیدی، چاپ هشتم، تهران: نشر مرکز.
۲۳. کدی، نیکی (۱۳۵۶)، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران: نشر ابوریحان بیرونی
۲۴. _____ (۱۳۷۸)، «چرایی انقلابی شدن ایران»، پژوهشنامه متین، ترجمه فردین قریشی، ش ۲، ص ۲۲۱-۲۳۸.
۲۵. کسروی، احمد (۱۳۴۹)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: نشر امیرکبیر.
۲۶. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام سعیدی سیرجانی، تهران: نشر آگاه.
۲۷. کمالی، مسعود (۱۳۸۱)، جامعه مدنی دولت و نوسازی در ایران، ترجمه کمال فولادی، تهران: نشر باز.
۲۸. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۹۲)، رساله یک کلمه، به اهتمام علیرضا دولتشاهی، چاپ اول، تهران: انتشارات بال.
۲۹. ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد پنجم، تهران: انتشارات علمی.

۳۰. موققی، احمد (۱۳۸۵)، نوسازی و اصلاحات در ایران، تهران: نشر قومس.
۳۱. میرفطرس، علی (۱۳۹۵)، مقالات، نشر الکترونیک (www.book-house.blogsky.com)، به کوشش امیر قربانی.
۳۲. نائینی، میرزا محمدحسین (۱۳۹۳)، تبه الامه و تنزیه المله، تصیح و تحقیق سیدجواد ورعی، چاپ سوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۳. ناظم الدوله، میرزا ملکم خان (۱۳۶۹)، روزنامه قانون، تهران: انتشارات کویر.
۳۴. همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۲)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ نوزدهم، تهران: نشر مرکز.
۳۵. هیلدی، فرد (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک آیین، تهران: نشر امیرکبیر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی